### شاکله نگارش شرح کتاب صرف ساده

عناوین مورد اهتمام در ذیل هر بحث، عبارتند از:

* **جغرافیای تصویری بحث:** در ذیل این عنوان محلّ بحث کنونی در جغرافیای کلّی کتاب در قالب یک نمودار به نمایش در خواهد آمد و عنوان بحث جاری در این نقشه برجسته و متمایز خواهد شد.
* **اصطلاح‏شناسی:** در ذیل این عنوان به مسائل ذیل پرداخته می‏شود:

1. شرح اصطلاحات و مفردات وارد در متن که نیازمند به توضیح خارجی می‏باشد.
2. شرح اصطلاحات متنوّع و متعدّد یک لفظ؛ توضیح آنکه گاهی یک اصطلاح در متن کتاب به کار رفته است، که در خود علم صرف و یا در سایر علوم حوزوی، دارای مفاهیم متنوّع دیگری است که آگاه نبودن از این تعدّد مفاهیم، گاه موجب لغزش و برداشت‏های انحرافی خواهد شد. به عنوان نمونه لفظ «مفرد» که در تعریف کلمه اخذ شده است، دارای چند اصطلاح دیگر نیز هست.
3. معرّفی اصطلاحات مشابه؛ معرّفی اصطلاحات مشابه با اصطلاح به کار رفته در متن کنونی، علاوه بر ممانعت از خلط اصطلاحات، دیدی جامع نسبت به اصطلاحات و ترمینولوژی هر علم به دست خواهد داد؛ به عنوان نمونه وقتی در علم صرف با عنوان «شبه کلمه»، مواجه می‏شویم، معرّفی اصطلاحات مشابهی همچون شبه فعل، شبه جمله، شبه مضاف، شبه شرط و شبه صحیح، خالی از لطف و جذّابیّت نخواهد بود.

* **پیش فرض‏ها:** این عنوان گزاره‏های صرفی، نحوی و ... را که به صورت پیش فرض در بحث به کار رفته‏اند، ولی در متن بحث اثبات و یا حتّی بیان نشده‏اند، (مبادی تصدیقیّه) را بزرگنمایی نموده و توضیح می‏دهد.
* **نمودار مطالب:** در ذیل این عنوان، نمودار مطالب مطرح شده در هر بحث، به دقّت، به تصویر کشیده خواهد شد.
* **تحریر بحث:** در ذیل این عنوان به شرح مطالب درس مورد نظر پرداخته شده و تمامی جوانب آن مورد بررسی قرار می‏گیرد.

پیش سازمان‏دهنده***[[1]](#footnote-1)***: پیش سازمان‏دهنده یک قصه، یک خبر، یک مثال، یا مطلب دیگری است که قبل از تحریر مباحث درس القاء شده و ذهن دانش آموز را برای برقراری پیوندی عمیق‏تر با مباحث درس آماده می‏سازد. پیش سازمان‏دهنده در مقام تشبیه، همچون قصّه‏ای است که پدر و مادر برای کودک بیان می‏کنند و در لابه‏لای آن داروی تلخ را به کام کودک خویش می‏ریزند! به عبارت دیگر، پیش سازمان‏دهنده نوعی ورود غیر مستقیم به بحث اصلی است.

اهمیّت این نوع عملکرد تا بدانجاست که پژوهشگران روش تدریس معمولاً به هنگام برگزاری دوره‏های روش تدریس، بر این سبک تأکید بسیار زیادی می‏ورزند.

* **لغزشگاه‏های قواعد:** آنگاه که یک قاعده و نکته صرفی آموخته می‏شود، گاه با لغزشگاه‏هایی مواجه می‏شویم که دانش‏آموختگان صَرف، به اشتباه در تطبیق یا اجرای قواعد دچار می‏شوند؛ این عنوان به بزرگنمایی و تنبّه نسبت به این لغزشگاه‏ها می‏پردازد؛ به عنوان نمونه آن گاه که مصدر صناعی آموخته می‏شود، باید تذکّر داد که مصدر صناعی با اسم منسوبِ مؤنّث، تشابه لفظی دارد و همین تشابه زمینه‏ساز لغزش است؛ مثلاً «إیرانیّة» اگر مصدر صناعی باشد، به معنای ایرانی بودن است و اگر اسم منسوب باشد، به معنای شخص یا شیئی مؤنّث و منسوب به ایران خواهد بود.
* **ثمره عملی و تطبیقات:** در ذیل این عنوان، ثمره هر یک از مباحث صرفی در سایر علوم، خصوصاً آیات و روایات، مورد طرح و بررسی قرار گرفته و سعی خواهد شد نمونه‏هایی اثر گذار از تطبیقات هر قاعده ارائه گردد.
* **سؤالات حاضران:** روش صحیح مطالعه استاد این است که پیش از تدریس، لحظاتی خود را به جای شاگردان تصوّر کند و ببیند چه سؤالاتی ممکن است هنگام ارائه تدریس برای دانش‏آموزان پیش بیاید؛ این سؤلات را یادداشت کرده و قبل از فرا رسیدن ساعتِ درس، پاسخ آنها را تحقیق نموده و با دستی پُر وارد کلاس شود.

گاه نیز سؤالاتی پیش بینی نشده در طول کلاس مطرح می‏شود که قابل توجّه و اعتنا می‏باشد. این دو دسته از سؤالات پیش یا پس از کلاس در ذیل این عنوان جمع‏آوری و پاسخ داده خواهد شد.

* **لغات نامأنوس:**  از آنجا که برخی مفردات مورد استشهاد در متن کتاب، از حیث ضبط حروف و معنای مورد نظر در کتاب نامفهوم است، با مراجعه به قوامیس لغوی معتبر این لغات و مفردات مورد بررسی علیحده قرار گرفته و در ذیل این عنوان ثبت می‏گردد.
* **ادبیات مقارَن:** در این عنوان سعی بر آن است که دستور زبان عربی با دستور زبان فارسی و انگلیسی به صورت اجمالی تطبیق داده شده و مورد مقایسه قرار گیرد؛ به عنوان نمونه وقتی در علم صرف سخن از حروف اصلی و وزن کلمات به میان می‏آید، بیان خواهد شد که آیا در زبان فارسی و انگلیسی نیز چنین مباحثی مطرح هست یا طرح چنین مباحثی صرفاً از اختصاصات زبان عربی است.

به نظر می‏رسد طرح مقارَن مباحث، علاوه بر ازدیاد جذّابیّت مباحث و رفع غرابت از قواعد زبان عربی[[2]](#footnote-2)، به فهم بیشتر آنها و نیز ماندگاری بیشتر مطالب در ذهن حاضران در کلاس می‏افزاید.

* **تحقیقات:** گاه برخی مباحث کتاب صرف ساده نیازمند تحقیقاتی جامع و ماورای مطالب مطرح شده در متن کتاب هستند؛ این تحقیقات در ذیل این عنوان نگاشته شده خواهد شد.
* **تمرین:** از آنجا که هدف اصلی از فراگیری صرف و نحو، تسلّط بر فهم متون قرآنی و روایی است، ارجاع طلاّب به این متون امری ضروری می‏نماید. برای تحقّق این مهم متونی از آیات و روایات در ذیل این عنوان به عنوان تمرین شبانه، انتخاب خواهد شد.
* **سؤالات چهارگزینه‏ای:** در ذیل این عنوان سؤالاتی دقیق و عمیق از مباحث صرفی مطرح شده و به عنوان امتحانات هفتگی درس صرف، مبنای عمل قرار می‏گیرد.
* **سؤالات پژوهشی:** سوق دادن حاضران در کلاس صرف، با شیبی ملایم، به سمت و سوی تحقیق و پژوهش در علم صرف، از اهداف طرح این عنوان است.

هدف‏گذاری سؤالات پژوهشی به شرح ذیل است:

1. ارجاع دانش آموزان به کتب و منابع ادبی
2. تعمیق آموخته‏های صرفی
3. ایجاد روحیه پژوهش علمی

* **معرّفی کتاب و مقاله:** غالباً دانش آموزان کلاس صرف، اطّلاعات چندانی از منابع اصلی، تألیفات و مقالات تألیف شده در زمینه علم صرف و یا برخی مباحث صرفیِ خاصّ ندارند؛ این سنخ از اطلاعات، گرچه ممکن است اطلاعات درجه دوّم نامیده شود، لکن تأثیر آن بر پژوهش‏های مربوط به هر علم و تسلّط بر علم، بر احدی پوشیده نیست.

آنچه در ذیل این عنوان بدان پرداخته می‏شود، معرّفی کتب و منابع صرفی و مقالات تألیف شده در زمینه صرف و مسائل آن می‏باشد. باید دانش آموزان علم صرف را به آشنایی با این کتب و مطالعه برخی از آنها ترغیب کرده و پس از ارائه برخی مقالات صرفی از آنها در خواست نمود تا آن را تلخیص کرده و به مقتضای فرصت کلاس در برخی موارد آن را به صورت کنفرانس ارائه دهند.

* **اصلاحیه کتاب صرف:** استاد به هنگام تدریس متن درسی، گاه به نارسایی‏ها، کاستی‏ها و اشتباهاتی در متن درسی بر می‏خورد؛ تجمیع این کاستی‏ها و اغلاط و ارجاع آنها به مؤلّف، تأثیر بسزایی در اصلاح متون درسی خواهد داشت؛ لکن متأسفانه اساتید محترم به علّت عدم تجمیع این اشکالات رغبتی برای ارائه آنها به مؤلّف ندارند.

## مقدّمه



#### مقدّمه ورود به علم صرف

##### **شاخه‏های علوم ادبی**

زمخشری، صاحب تفسیر کشّاف، در کتاب «**القسطاس فی علم العروض**» علم ادبی را 12 شاخه و به شرح ذیل معرّفی می‏کند:

1. علم اللغة 2. علم الأبنیة (صرف) 3. علم الاشتقاق 4. علم الإعراب (نحو)

5. علم المعانی 6. علم البیان 7. علم العروض 8. علم القوافی

9. إنشاء النثر 10. قرض الشعر 11. علم الکتابة 12. المحاضرات

توضیح:

🞕 **عروض:** یكی از اقسام علوم ادبی است كه موضوع آن بحث در وزن (آهنگ) شعر است و در مورد چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحّت و سقم آن و برخی از شگردهایی كه مخصوص كلام منظوم است بحث می‏كند.

🞕 **قافیه:** علمی است كه در مورد قواعد و انواع قافیه در شعر سخن می‏گوید .

🞕 **قرض الشعر:** چون در واقع با عملكرد ذهنی، بحری از شعر را می‏بریدند و آن‏را به قواعد فنّی و اصولی عرضه می‏نمودند، آن را «قرض الشعر» نامیدند.

🞕 **المحاضرات:** علمی است که با ممارست بر آن قدرت بر به کاربردن کلمات بلیغان در اثناء سخن پیدا می‏شود.

##### **علوم ادبی در حوزه**

در حوزه‏های علمیّه صرفاً به علوم صرف، نحو، و بلاغت (معانی، بیان و بدیع) پرداخته می‏شود.

##### **عدم اهتمام به برخی رشته‏های ادبی در حوزه**

متون و منابع دینی همگی به زبان عربی هستند، از این‏رو یک اسلام شناس برای اجتهاد صحیح در منابع دینی می‏بایست آشنایی کاملی با زبان عربی داشته باشد. البته اجتهاد در منابع دینی و استخراج حکم شرعی بر همه شاخه‏های علوم ادبی متوقّف نیست، بلکه علم صرف، نحو و بلاغت (معانی، بیان و بدیع) و علم لغت در این راستا حائز اهمیّت هستند. به همین خاطر در حوزه‏های علمیه مباحث ادبیات عرب متمرکز بر این سه علم است؛ البته باید معترف بود که در حوزه‏های علمیه، نسبت به علم لغت بی‏مهری‏های فراوانی صورت گرفته است و در سیر علمی حوزوی جایگاهی برای آن تعریف نشده است.

معرّفی کتاب : آموزش مفردات قرآن، احادیث و لغت عمومی عرب، ملکی نهاوندی

##### **سبک قدما در شروع هر علم**

ذکر رئوس ثمانیه: تعریف علم، فایده، موضوع و جایگاه در میان سایر علوم، ارزش، واضع، وجه تسمیه و نمونه‏ای از مباحث آن علم.

صرف ساده از سه عنوان بحث کرده است: تعریف علم صرف، فایده علم صرف و موضوع آن.

#### فصل 1: تعریف علم صرف

###### جغرافیای تصویری بحث



###### اصطلاح‏شناسی

* علم تصریف

«**علم تصریف**»، نام دیگر علم صرف است[[3]](#footnote-3)؛ «**علم الأبنیة**» نیز از اسامی علم صرف می‏باشد.

لازم به ذکر است ترادف **«صرف»** و **«تصریف»** از اصطلاحات متأخّران است، لکن نزد متقدّمات اصطلاح **«تصریف»** معنایی اخصّ از **«صرف»** داشته و بخشی از مباحث آن محسوب می‏شده است؛ محیّ الدین عبدالحمید در این باره می‏نویسد:

«هذا اصطلاح المتأخّرین من علماء العربیّة یجعلون الصرف و التصریف لفظین مترادفین معناهما واحد هو ما ذکرناه [= العلم الذی تُعرف به کیفیّة صناعة الأبنیة العربیّة و أحوال هذه الأبنیة التی لیست إعراباً و لا بناءً]؛ فأمّا المتقدّمون منهم فقد کانوا یطلقون کلّ لفظ منهما علی معنی، کانوا یطلقون لفظ **«الصرف»** علی ذلک المعنی الذی ذکرناه فی الأصل، و یطلقون لفظ **«التصریف»** علی **«أخذک من کلمة ما بناءً لم تبنه العرب منها علی وزن ما بنتْه العرب من غیرها، ثمّ تعمل فی البناء الذی أخذته ما یقتضیه قیاس کلامهم.»** مثال ذلک أن تأخذ من الضرب علی مثال سفرجل فتقول ضَرَبْرَبَ، و أن تبنی من الوأی علی مثال قُفْل فتقول وُؤی؛ و هذا النوع من التحویل هو باب التمرین الذی وضعه الصرفیّون لاختبار الملکات و تثبیت القواعد؛فالتصریف علی هذا جزء من الصرف.»[[4]](#footnote-4)

**توضیح آنکه:** این علم در نزد قدمای ادبیات مثل خلیل بن احمد فراهیدی (ت175هـ) و سیبویه (ت180هـ) نه صرف نامیده می‏شد و نه تصریف؛ زیرا دانش تصریف در آغاز با نحو ــ که نقش واژگان را در جمله بررسی می کند ــ آمیخته و بخشی از این دانش بود و نحویانی چون سیبویه در آثار خود مباحث صرفی را در کنار مباحث نحوی مطرح می کردند. در کتاب سیبویه، صرف و نحو ولغت و برخی علوم ادبی دیگر وجود داشت، ولی هیچکدام استقلال نداشتند و این مجموعه به عنوان «**نحو کبیر**» شناخته می‏شد.[[5]](#footnote-5)

پیروان مکتب کوفی بر آنند که نخستین کسی که در این علم بحث مستقل کرد، معاذ بن مسلم الهَرّاء (متوفی 187هـ)، دانشمند شیعی مذهب، بود و گفته‏اند زمانی که ابومسلم، معلّم و مربّی عبدالملک مروان، بحث‏های صرفی معاذ را شنید، او را هجو کرد و معاذ نیز به او پاسخ داد و از این رو سیوطی، معاذ را نخستین واضع علم تصریف معرفی کرده است.

نخستین بار در نیمه اول سده سوم، یکی از دانشمندان بصره به نام ابو عثمان بکر بن محمد مازِنی (متوفی 249هـ)، کتابی مستقل و درخور توجه در علم تصریف نگاشت که دانش گسترده او را در این زمینه نشان می‏دهد. سپس ابن جنّی در پایان قرن چهارم، شرحی بر تصریف مازنی نگاشت و بعد خودش کتابی به نام «المصنّف» و کتابی دیگر به نام «التصریف الملوکی» در علم صرف نگاشت.[[6]](#footnote-6)

با گذشت زمانی نسبتاً طولانی و تقریباً چهار قرن پس از ابن جنّی، دو شخصیّت برجسته نحوی دیگر، پا به عرصه ادبیات عرب گذاشتند. ابن عصفور (597-669 ق) با نگارش کتاب بزرگ و مهم «المُمْتِع» و سپس ابن حاجب (570-646ق) با تصنیف کتاب «شافیه»، دو اثر گرانقدر و جامع در زمینه علم صرف از خود به جا گذاشتند که محور شرح و بسط‏ها، تألیف کتابهای مختلف و بحث و گفتگوهای فراوانی قرار گرفتو می‏توان مدّعی شد تا زمان حاضر نیز اثری تا این اندازه گرانسنگ و مستحکم در علم صرف تدوین نشده است. این دو اثر تا چند دهه پیش نیز مورد توجّه فقها و ادبا و دیگر دانشمندان بوده تا جایی که کتاب «شافیه» با شرح‏های گوناگون خود و با توجّه به سلیقه استادان فن، بارها تدریس شده است. [[7]](#footnote-7)

* صرف

صرف در ادبیات عربی (اعم از صرف و نحو) در سه معنی به کار می‏رود:

1. **تنوین صرف:** تنوین صرف یا همان تنوین امکنیّت یا تنوین تمکین، تنوینی است که به آخر برخی اسماء معرب ملحق می‏گردد و این نوع کلمات به دلیل قبول تنوین صرف، منصرف نامیده می‏شوند، و در مقابل، کلماتی که این نوع تنوین را قبول نمی‏کنند، غیر منصرف نامیده می‏شوند.
2. **علّتی برای نصب:** کوفیون گاه در توجیه نصب برخی کلمات می‏گویند: «**انّه منصوب علی الصرف**»؛ مثلاً در توجیه نصب فعل دوّم در عبارت «لا تأتینا فتحدّثَنا» می‏گویند منصوب بر صرف است؛ یعنی فعل دوّم رویگردان شده از عامل فعل اوّل و لذا مجزوم نشده است، و از سوی دیگر مستأنَف هم نیست، و از این جهت مرفوع نشده است. می‏ماند حالت نصب، لذا منصوب شده است.[[8]](#footnote-8)
3. **علم صرف** که محلّ بحث ماست.

###### پیش فرض‏ها

###### نمودار مطالب

###### تحریر بحث

* پیش سازمان دهنده

به کلمات زیر دقّت کنید؛ آیا همه آنها یک معنی دارند؟ مگر این کلمات همه از مشتقّات «علم» نیستند؟!

علم، عالم، معلوم، معلّم، تعلیم، تعلّم، استعلام، علاّمه

گرچه مادّه همه کلمات فوق، یکسان است، ولی همانطور که مشاهده می‏کنید با تغییر ساختار و ساختمان یک کلمه، معمولاً[[9]](#footnote-9) معنای متفاوتی از آن به دست می‏آید؛ تغییر ساختار و تفاوت در معنی، اختصاص به زبان خاصّی ندارد و در همه زبانها جریان دارد؛ در زبان انگلیسی نیز تغییر ساختار یک کلمه باعث تغییر در معنای آن می‏گردد؛ به عنوان نمونه:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| Change | تغییر دادن | Changer | تغییر دهنده، صرّاف |
| Changeability | قابلیّت تغییر | Changebale | قابل تغییر |
| Changeless | ثابت، تغییر ناپذیر | changed | مبدّل، متغیّر |
| Changeling | آدمِ دم دمی مزاج | changeful | دگرگون شونده، نامعیّن |

در زبان عربی علمی که به بررسی تغییرات ساختار کلمه و تحوّلات معنایی آن می‏پردازد، «علم صرف» نامیده می‏شود. **«صرف»** به معنای «**تغییر و تبدیل»** است[[10]](#footnote-10) و «**صرّاف»** از این جهتّ صرّاف نامیده می‏شود که پول کشورهای مختلف را به پول سایر کشورها تبدیل می‏کند.

نمونه‏هایی از استعمالات قرآنی این کلمه به شرح ذیل است:

❑ وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا کَانَ غَرَاماً(فرقان/65)

و كسانى‏اند كه مى‏گويند: «پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان كه عذابش سخت و دايمى است.»

❑ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ کُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ‌ (بقره/164)

راستى كه در آفرينش آسمانها و زمين، و در پى يكديگر آمدن شب و روز، و كشتي‏هايى كه در دريا روانند با آنچه به مردم سود مى‏رساند، و [همچنين] آبى كه خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمين را پس از مردنش زنده گردانيده، و در آن هر گونه جنبنده‏اى پراكنده كرده، و [نيز در] گردانيدن بادها، و ابرى كه ميان آسمان و زمين آرميده است، براى گروهى كه مى‏انديشند، واقعاً نشانه‏هايى [گويا] وجود دارد.

* تعریف علم صرف

در کتاب صرف ساده، علم صرف چنین تعریف شده است:

«**علم صرف** که به آن **علم تصریف** نیز می‏گویند، علمی است که از ساختار کلمه و از تغییراتی که در کلمات رخ می‏دهد، بحث می‏کند. مثلاً علم صرف به ما می‏آموزد که کلمه **قَول** بر اساس برخی قواعد صرفی می‏شود: **قَوَلَ** و قَوَلَ بر اساس برخی دیگر از همین قواعد می‏شود: **قَالَ**.» [[11]](#footnote-11)

لازم به ذکر است که تا آنجا که اطلاع داریم، در سایر زبان‏ها علمی مخصوص بررسی ساختار کلمات جدای از دستور زبان آن علم، تدوین نشده است.[[12]](#footnote-12)

###### لغزشگاه‏های قواعد

###### ثمره عملی و تطبیقات

آشنایی با تعریف یک علم، علاوه بر اینکه باعث ایجاد دورنمایی از آن علم در ذهن انسان می‏شود، مرزبندی علوم مختلف را در ذهن انسان روشن‏تر می‏گرداند و موجب می گردد انسان با بصیرت بیشتری وارد آن علم شود.

###### سؤالات حاضران

###### لغات نامأنوس

###### ادبیات مقارَن

علم صرف در دستور زبان فارسی «**تکواژ شناسی**» یا **«ساختِ واژه»** و در دستور زبان انگلیسی «**morphology**»[[13]](#footnote-13) نامیده می‏شود.[[14]](#footnote-14)

###### تحقیقات

* تکواژشناسی

تک‌واژشناسی یا صَرف/ ساختِ‌واژه‌ (انگلیسی: morphology) بخشی از دستورِ زبان است که ساختـ(ـارِ) واژه را موردِ تحلیل قرار می‌دهد. به سخنِ دیگر، ساختِ‌واژه به شناختِ تکواژها و راه‌هایِ هم‌نشینیِ آنها با یکدیگر در قالب‌هایِ نحوی و نیز در واژه‌سازی می‌پردازد. کارِ اصلیِ زبان‌شناس در بررسیِ ساختِ‌واژه‌یِ یک زبان، تجزیه عبارت‌ها و جمله‌ها و دست یافتن به تکواژها و واژه‌ها و سپس دسته‌بندیِ آنها بر اساسِ رده‌هایِ دستوریِ آن زبان می‌باشد.

در زبان شناسی، تک‌واژ شناسی یعنی بازشناسی، تحلیل و توصیف ساختار تکواژها و دیگر واحدهای معنایی در زبان از قبیل کلمات، وندها و هویت دستوری و همچنین تکیه/استرس و بافتار ضمنی (کلمات در واژه نامه موضوع اصلی واژه شناسی می‌باشد.). گونه شناسی مرتبط به شکل و ساختار به نوعی دسته بندی زبان‌ها بر طبق سبکهایی است که بوسیله آن تکواژها در زبان استفاده می‌شوند. یعنی از تحلیلی که تنها تکواژهای مجزا از طریق زبانهای آمیخته(به هم چسبیده)و ترکیبی استفاده می‌نماید که تکواژهای وابسته (وندها) و تا حدودی چند ترکیبی را که تعداد زیادی از تکواژهای جداگانه را به کلمات مجزا خلاصه می‌نماید، استفاده می‌کند.

در حالیکه کلمات به طور کلی به عنوان کوچکترین واحدهای نحوی پذیرفته شده‌اند، واضح است که در بیشتر زبان (نه همه آنها) کلمات می‌توانند با قوانین(گرامر) به دیگر کلمات مرتبط شوند. به عنوان مثال، انگلیسی زبانان می‌توانند تشخیص دهند که کلمات سگ و سگها خیلی زیاد به هم مرتبط هستند- یعنی تنها با تکواژ جمله ساز"هاً که تکواژ وابسته به اسم است و هرگز نیز جدا نمی‌شود. انگلیسی زبانان(زبانی ترکیبی) این روابط را از دانش فنی قوانین شکل گیری کلمه در انگلیسی تشخیص می‌دهند. آنها مستقیماً استنباط می‌کنند که همانطور که جمع کلمه سگ می‌شود سگها جمع کلمه گربه نیز گربه‌ها می‌شود؛ به همین نحو، سگ که می‌شود سگ گیر؛ ظرف می‌شود ظرف شور (بعضاً اینطور است). قوانینی را که متکلمان درک کرده‌اند الگوهای خاصی را منعکس می‌کند (قواعد) به طوری که کلمات از واحدهای کوچکتر تشکیل شده‌اند و چگونه آن واحدهای کوچکتر در فرآیند صحبت کردن متقابلاً اثر می‌کنند. بدین ترتیب، تک‌واژ شناسی شاخه‌ای از زبان شناسی می‌باشد که الگوهای شکل گیری کلمه را در زبان مطالعه می‌کند و درصدد قاعده مند کردن قوانین است که دانش متکلمان آن زبان را شکل دهد. در عوض زبانی مانند چینی تکواژ غیر وابسته (آزاد) را بکار می‌گیرد که منوط به آهنگ، وندهای پس عبارت و ترتیب کلمات به منظور انتقال معنی است.

در زبان چینی از مفاهیم فوق به عنوان گرامر یاد می‌شود که بیانگر تک‌واژ شناسی زبان می‌باشد. آنسوی زبانهای آمیخته، زبانی چند ترکیبی مانند چاکچی کلماتی دارد که از تکواژهای زیادی تشکیل شده‌است:کلمه ""təmeyŋəlevtpəγtərkən از هشت تکواژ t-ə-meyŋ-ə-levt-pəγt-ə-rkən تشکیل شده استکه می‌تواند به اینصورت تفسیر شود

۱.SG.SUBJ-great-head-hurt-PRES.۱,(صدمه- سر- بزرگ) به معنای “ سردرد وحشتناکی دارم”. تک‌واژ شناسی چنین زبانهاییی به هر صامت و مصوتی اجازه می‌دهد که به عنوان تکواژ استنباط شود درست مانند گرامر زبان، استفاده و درک تاریخ تکواژ.

تاریخ تجزیه و تحلیل تک‌واژ شناسی به زبان شناس هند باستان، پانینی بر می‌گردد که ۳،۹۵۹ قانون تکواژ سانسکریت را در کتاب Aṣṭādhyāyī با استفاده از گرامرحامی گردآوری کرد. سنت گرامری یونان در روم باستان نیز در تجزیه و تحلیل تک‌واژ شناسی دخالت داشته‌است. مطالعات تک‌واژ شناسی عرب که توسط مرح الاروه، احمد ب و علی مسعود حداقل به ۱۲۰۰ سال از زمان تولد مسیح برمی گردد. واژه تک‌واژ شناسی را آگوست شلیچر در سال ۱۸۵۹ بوجود آورد.

**دو لایه‌یِ ساختِ‌واژه**

ساختِ‌واژه‌یِ صَـرفی (= صرفِ تصریفی) (انگلیسی: inflectional morphology): همان‌گونه که از نامِ آن پیداست، به ساختارِ فعل‌ها و نام‌ها (= اسم‌ها و صفت‌ها) در هنگامِ صرف شدن می‌پردازد. به عبارتِ دیگر، در ساختِ‌واژه‌یِ صَـرفی به بخشی از واژه پرداخته می‌شود که بطورِ مستقیم با نقشِ نحویِ آن، یعنی نقشِ واژه در جمله، سر و کار دارد. نمونه: «مردها» از دو جزءِ «مرد» و «ـ‌ها» و «می‌روم» از سه جزءِ «می‌ـ»، «رَو-» و «ـَم» تشکیل شده که به نقشِ نحویِ آن‌ها در جمله مربوط‌ند.

هر یک از جزءهایِ یادشده را «واژک» (انگلیسی: morpheme) و در ساختِ‌واژه‌یِ صَـرفی «واژکِ تصریفی» (انگلیسی: inflectional morpheme) می‌گویند[۴].

ساختِ‌واژه‌یِ اِشتِـقاقی (= صرفِ اِشتقاقی) (انگلیسی: derivational morphology): به خودِ واژه، فارغ از نقشِ نحویِ آن می‌پردازد. در واقع ساختاری است که از رهگذرِ آن خودِ واژه به دست می‌آید. نمونه: «گلدان» از دو جزءِ «گل» و «ـدان» و «کارخانه» از دو جزءِ «کار» و «خانه» ساخته شده‌است. این بررسی در مقوله‌یِ ساختِ‌واژه‌یِ اِشتِـقاقی طرح می‌گردد. ساختِ‌واژه‌یِ اِشتِـقاقی را «ساختِ‌واژه‌یِ قاموسی» (انگلیسی: lexical morphology) یا «واژه‌سازی» (انگلیسی: word formation) نیز می‌نامند.

هر یک از جزءهایِ یادشده را «واژک» (انگلیسی: morpheme) و در ساختِ‌واژه‌یِ اِشتِـقاقی «واژکِ اِشتِـقاقی» (انگلیسی: derivational morpheme) می‌گویند.

متن کامل این مقاله را در [اینجا](http://fa.wikipedia.org/wiki/تکواژشناسي) و [اینجا](file:///C:\Users\Mohsen\Desktop\دروس%20روزانه%203-3-92\شرح%20صرف%20ساده\شرح%20صرف%20ساده\مقالات%20صرفی\تکواژشناسی%20-%20ویکی‌پدیا.mht) ببینید.

###### تمرین

###### سؤالات چهارگزینه‏ای

1. کدام گزینه درباره علم صرف، **صحیح است؟**

الف) علم صرف، فقط از تغییراتی در کلمه بحث می‏کند که موجب تغییر در معنی گردد.🞏

ب) علم صرف، از ساختار کلمه و تغییرات آن بحث می‏کند.🞏

ج) علم صرف، بررسی نقش کلمات در جمله را بر عهده دارد.🞏

د) علم صرف، به بررسی ساختار جملات می‏پردازد.🞏

1. **نام دیگر** علم صرف چیست؟

الف) علم تصریف🞏 ب) علم نحو کبیر🞏 ج) علم الأبنیة🞏 د) گزینه الف و ج🞏

1. در کتاب صرف ساده، **چند مورد از رؤوس ثمانیه** علم صرف مورد بحث قرار گرفته است؟

الف) 3 مورد🞏 ب) 5 مورد🞏 ج) 1 مورد🞏 د) 8 مورد🞏

1. کدام گزینه از فواید آشنایی با تعریف یک علم می‏باشد؟

الف) آشنایی با دورنمای مسائل آن علم🞏 ب) ورود با بصیرت به آن علم🞏

ج) روشن‏تر شدن مرزبندی علوم مختلف در ذهن انسان 🞏 د) همه موارد🞏

1. مباحث صرفی در **دستور زبان فارسی** اصطلاحاً چه نامیده می‏شود؟

الف) واج آرایی🞏 ب) تکواژ شناسی🞏 ج) واژه آمیزی🞏 د)حس آمیزی🞏

1. کلمه **صرف در لغت** به چه معناست؟

الف) تغییر و تبدیل🞏 ب) مصرف کردن🞏 ج) سنجیدن🞏 د) میل کردن و خوردن🞏

1. نخستین کسی که مباحث صرفی را **به صورت مستقل** مورد بحث قرار داد، کیست؟

الف) ابوالأسود دئلی🞏 ب) امام علی (علیه السلام)🞏 ج) معاذ بن مسلم الهرّاء🞏 د) سیبویه🞏

1. **نقشه کتاب صرف ساده** با کدام گزینه منطبق است؟

الف) یک مقدّمه و سه بخش🞏 ب) دو بخش و یک خاتمه🞏

ج) یک مقدّمه و سه بخش🞏 د) یک مقدّمه و دو بخش و یک خاتمه🞏

1. **مقدّمه کتاب صرف ساده** از چند فصل تشکیل شده است؟

الف) 9 فصل🞏 ب) 10 فصل🞏 ج) 5 فصل🞏 د) 11 فصل🞏

1. فصل اوّل از مقدّمه کتاب صرف ساده، به کدام موضوع اختصاص دارد؟

الف) تعریف کلمه🞏 ب) تعریف علم صرف🞏 ج)موضوع علم صرف🞏 د) فایده علم صرف🞏

###### سؤالات پژوهشی

###### معرّفی کتاب و مقاله

1. الصرف و ما یدرسه، الدکتور صباح عبّاس السالم، 22 صفحه.
2. پیشینه و روند پیشرفت علم صرف، سیّد رضا نجفی، 16 ص.
3. علم التصریف موضوعه و تطوره، الدکتور محمّد ابراهیم البنا، 9 ص.
4. الخلاف فی نشأة الصرف، د. أبوالزهراء، 5 صفحه.
5. تاریخ صرف و نحو، سیّد حمید رضا مهاجرانی، 9ص .

###### اصلاحیه کتاب صرف

این فصل از کتاب به حسب ظاهری اشکالی ندارد.

**تهیه و تنظیم: محسن زارع پور**

مدرسه علمیه معصومیه (سلام الله علیها)

تکثیر این مجموعه بلا مانع است.

**پایگاه علم صرف**

**www.tasrif.blog.ir**

1. . preadvance-organizer mode [↑](#footnote-ref-1)
2. . به عنوان نمونه گاه برخی سماعی بودن برخی قواعد زبان عربی را امری ناپسند دانسته و می‏پندارند سماعی بودن اختصاص به زبان عربی دارد؛ لکن ایجاد تقارن میان زبان عربی و زبان‏های دیگر این شبهه را برطرف می‏نماید؛ به عنوان نمونه وقتی به سراغ حالت دوّم افعال در زبان انگلیسی می‏رویم، در می‏یابیم حالت دوّم برخی افعال قاعده‏مند بوده و با اضافه کردن «ed» به آخر فعل ساخته می‏شود؛ این افعال، «**افعال با قاعده**» نامیده می‏شوند. (Work🢧Worked)؛ حالت گذشته برخی افعال نیز از قاعده خاصّی پیروی نمی‏کند و بسته به سماع است؛ این نوع افعال، «**افعال بی‏قاعده**» نامیده می‏شوند. (Go🢧Went)

   در زبان فارسی هم چنین پدیده‏ای وجود دارد، به عنوان نمونه «**ببین**» فعل امر از مصدر «**دیدن**» است، حال آنکه هیچگونه قرابتی از حیث حروف بین این دو کلمه وجود ندارد؛ به خلاف «**بزن**» که با مصدر خویش در برخی حروف تشابه دارد. [↑](#footnote-ref-2)
3. . رک: حملاوی، أحمد، شذ العرف فی فنّ الصرف، ص 9؛ ظاهراً این نام برای این علم اشتهار بیشتری دارد؛ واژه «تصریف» از نظر لغوی به همان معنای «صرف» است و فقط معنی برگرداندن در آن بیشتر لحاظ شده و دلالت بر مبالغه آن دارد: «صرّفته بالتثقیل: مبالغة» فیّومی، المصباح المنیر، ج2 ص 338؛ ابو حیّان: «التصریف: مصدر صرّف و معناه راجع للصرف و هو الردّ. صرفتُ زیداً عد کذا: رددته.» البحر المحیط فی التفسیر، ج2 ص 64. [نقل از جمالی، مصطفی، مغنی الفقیه، صرف جامع کاربردی، ص 12، پاورقی 3] [↑](#footnote-ref-3)
4. . عبد الحمید، محمّد محی الدین، دروس التصریف، القسم الأوّل، ص 4. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نشریه رهنامه پژوهش، شماره 11و12، پاییز و زمستان 1391، ص 105، به نقل از حجّت الإسلام مهاجر، مدیر گروه ادبیات عرب مرکز تدوین متون درسی حوزه. [↑](#footnote-ref-5)
6. . در قرن دوّم و سوّم، مازن، یکی از روستاها یا بخش‏هایی است که به نهاوند کنونی مربوط است. نشریه رهنامه پژوهش، شماره 11و12، پاییز و زمستان 1391، ص 105، به نقل از حجّت الإسلام مهاجر، مدیر گروه ادبیات عرب مرکز تدوین متون درسی حوزه. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نشریه رهنامه پژوهش، شماره 11و12، پاییز و زمستان 1391، ص 111-112. [↑](#footnote-ref-7)
8. . انتساب این توجیه به کوفیون در برخی منابع آمده است؛ به عنوان نمونه رک: إعراب القرآن (نحاس)، ج‏1، ص: 50، ذیل آیه 42 سوره بقره و ج1 ص 182، ذیل آیه 142 سوره بقره؛ البحر المحيط في التفسير (أبوحیان اندلسی)، ج‏7، ص: 521 و روح المعاني في تفسير القرآن العظيم (محمود آلو.سی)، ج‏9، ص: 15. [↑](#footnote-ref-8)
9. . لازم به ذکر است که گاه با تغییر ساختار یک کلمه معنای متفاوتی از آن برداشت نمی‏شود، مانند مصدر اصلی و میمی که معنای یکسانی دارند؛ به عنوان نمونه **قتل** و **مقتل** هر دو به معنای کشته شدن هستند. و یا مانند تغییرات کلمات معتل و مضاعف که تغییر معنایی در پی ندارد. [↑](#footnote-ref-9)
10. . راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن ص 482:«الصرف ردّ الشیء من حالةٍ إلی حالة»؛ ابن منظور، لسان العرب، ج9، ص 189: «الصرف ردّ الشیء عن وجهه». [↑](#footnote-ref-10)
11. . طباطبایی، سیّد محمّد رضا، *صرف ساده* (چاپ هفتاد و نهم، ویرایش 1392)، ص 49. [↑](#footnote-ref-11)
12. . قواعد ساختار شناسی کلمات در دستور زبان فارسی و انگلیسی در ذیل عنوان تحقیقات مورد اشاره قرار خواهد گرفت. [↑](#footnote-ref-12)
13. . /mɔ:r'fɒlədʒı/ [↑](#footnote-ref-13)
14. . رک: <http://fa.wikipedia.org/wiki/تکواژشناسی> [↑](#footnote-ref-14)